

مساله ی شر بین مبدا بودن یا مبدی بودن خداوند

هادی عبیداوی^۱

۱- کارشناس ارشد رشته فلسفه دانشگاه قم

خلاصه

در این نوشتار برای پاسخ به شبهه ی ثنوی ها درباره ی اینکه مبدا شر چیست؟ ابتدا سعی کردیم تحلیل درستی بر پایه متون روایی، فلسفی-کلامی و لغوی از مفاهیم شر، مبدا، مبدی، مبدع، منشی، مصدر و اعتباریات ارائه دهیم. همچنین سعی کردیم بعد از ذکر پیشینه ی بحث و اهمیت آن، نظرات گذشتگان در این باره و این که چرا همیشه سعی کردند شر را امری عدمی نشان دهند را مورد ارزیابی و سنجش قرار دهیم. و در نهایت با بررسی ره آورد عقل و نقل نشان دادیم آنچه موجب نارسایی مباحث مطرح شده گردیده است عدم تحلیل و تمیز بین مبدا، مصدر و منشا بودن با مبدی، مبدع و منشی بودن خداوند می باشد.

کلمات کلیدی: دلبستگی شغلی، مدیریت زمان، هوش معنوی، تعارض کار - خانواده.

مقدمه

این موضوع از مهمترین مسایلی است که جهان بینی توحیدی رابه چالش کشانده است. و امروزه مشاهده می شود که بسیاری از خداناباوران جهت توجیه عقاید ملحدانه ی خویش به وجود شر در جهان تمسک جسته اند دلیل اینان این است که اگر خدا وجود داشته باشد انتظار داریم که هیچ شرّ گزاف یا بی معنایی در عالم وجود نداشته باشد، اما بنا بر دلایلی باید بپذیریم که شرور گزاف یا بی معنا وجود دارند. اینان نتیجه می گیرند که بر مبنای یک دیدگاه دینی نمی توان وجود این قبیل شرور را به نحو قانع کننده به یک مبدا نسبت داد و لذا بعید است که خداوند واحدی وجود داشته باشد.

آدمی از یک سو در طبیعت، خیر، نور، علم، عدالت، حکمت و نظام دقیق می بیند و از سوی دیگر، شر، تاریکی، نادانی، ستمگری، تجاوز و سرکشی می بیند. پس آیا آفریننده نور همان آفریننده تاریکی است؟ آیا پدید آورنده خیر همان پدید آورنده شر است؟ آیا آن که نعمتهای ظاهری و باطنی خود را بر ما فرو می باراند همان است که ما را به بلاهای بزرگ گرفتار می آورد؟ همان کسی است که جنگها، تراژدیها، زمین لرزه ها و فاجعه ها رامقتدر می کند و یا این نیرو کس دیگری است؟

این پرسشها و نظایر آن، همانهایی هستند که اندیشه بشری را از راه راست به کژراهه می کشانند. فلاسفه ایران باستان گمان می کردند که در هستی دو خدا وجود دارد: خدای خیر (اهورا مزدا) و خدای شر (اهریمن). برخی از آنها معتقد بودند که باید خدای خیر را پرستید، زیرا او خاستگاه خیر و نور است و از همین رو آتش را می پرستیدند، زیرا آن چهره عریان نور است. برخی از ایشان نیز معتقد بودند که باید خدای شر را پرستید تا دست کم محبت او را کسب کرد و این که خدای خیر خدایی است که به مردم مهر می ورزد و کيفری از جانب او به مردم نمی رسد، چنانکه او از عبادت مردمان نیز بی نیاز است و همین موجب شده بود که گروهی شیطان را پرستند که نماد شر است و او را در طاووس جلوه گر می دیدند.^۱

ادیانی که دیدگاه ثنوی و دوانگاره دارند. مطابق این ادیان شرّ امری واقعی و غیر پنداری است، اما دارای ((منبعی)) مستقل و کاملاً متفاوت با منبع خیر است. از شاخص ترین مصادیق این گروه، آیین زرتشتی است.

^۱ مدرسی، محمد تقی اصول حکمت اسلامی، ص ۱۱۵.